

اسامی شهروندان مقیم در جزیره **نوبهار** به ترتیب تاریخ ورود به جزیره و صدور ویزای شهروندی:

حسین شکیب راد، زهرا قربانی، سید سپهر جمعه زاده، عطیه ضرابی، امیرحسین علی نیافر، فاطمه کریمی، محمد طائب، محمد کفیلی، فائزه نادری، امیرعلی حبیبی، مینوآقای نژاد، معین الدین هاشمی و مریم امام. باتشکر از گروه امداد جزیره محمد لوری، حسام نوری نجفی و محمد صادق باطنی.

عرق رازیانه (الکل سابق)

آوازه اش از همان سوراخ به فلک رسید. ترکیب شیمی و طب او را به ابر داروساز زمانه تبدیل کرد که برای اولین بار علم نوین داروسازی شیمیایی را بنیان نهاد.

از آنجا که خوش می دانم با توجه به این دوره نحس کرونا، خیلی از شما این کاره شده اید، پس باید مستحضر باشید همین الکل پیش رو و جناب اسید سولفوریک کشف آن کاشف بزرگند و حافظ در همین باب چه خوش گفت:

چه مستیست ندانم که روبه ما آورد

که بود ساقی و این باده از کجا آورد؟

قصه، آواز هزاری تا دربار پادشاه سامانی رسید. آن شاه درگیر مرضی بود که نه پاهایش، نه دست هایش، نه گردنش، نه زانویش، نه پاشنه آشیلش، نه لاله گوشش، نه چین پشت ابرویش و نه حتی پلک هایش را نیز نمی توانست تکان بدهد. پزشک دربار هر آنچه دارو بود، بر شاه خوراند و تمام پزشکان حال حاضر و گذشته و آینده عالم را بر بالین او حاضر کرده و با این حال بیماری شاه برپا مانده بود. ابتکار زکریا در تأثیر حالات روانی انسان در بیماری های جسمانی اینجا به داد او رسید. آن گاه زکریا تدبیری نمود.

محمد با استفاده از اختیاراتش دستور داد تمام ملازمان و نگهبانان پادشاه شبی او را تنها بگذارند تا شاه در اتاق خویش خلوت کند. آن شب زکریای طبیب شبانه در قامت یک دزد راهزن بر بالین شاه بیمار یورش برد و تیغ زیر گلوی او نهاد و هر فحش و بی نزاکتی که بلد بود نثار پادشاه کرد. شاه آنچنان به خود ترسیده بود که مجبور شد بالاخره برای استنجابت مزاجش - دو تا پا داشت، هفت تا دیگر قرض کند - آن قدر بدود تا قشنگ بفهمد که یکهو مداوا شده است؛ در برخی نسخ آورده اند تا مدت ها بعد نیمه شب ها از خواب می پرید و می دید به خود ترسیده است! آنگاه غیغ می کشید.

به هر روی ملازمان بعدها سعی کردند به هزار شیوه شاه را مجاب کنند که اتفاق آن شب صرفاً یک مانور درمانی بوده و هیچ‌کدام از ما درباریان نیز از این‌که شما آن شب به خود ترسیده بودید خبر نداریم! پس شاه نیز با خیال راحت از رازی تشکر کرد و او را به ری فرستاد تا بیمارستان بزرگ بسازد و باقی عمرش را به علاقه‌مندی‌های اصلی‌اش یعنی مداوای مردم کوچه و خیابان بپردازد. رازی نیز راضی و پرروزی راهی زادگاهش ری شد.

بدان اتصالی ننمود. آن اکسیر که رازی ما را مسحور خود کرده بود، کیمیاگری بود. همان که از زمان جابر بن حیان اسمش بر سر زبان‌ها بود و ادعایش تبدیل فلزات مختلف به طلا بود و اندیشه خیلی از اهالی علم را به خود مشغول داشته بود! آری همان بود که بود و نبود رازی را به خود وابسته کرده بود! پس بنابراین محمداقاسم در آتش شیمی برد و به هزار ترفند و روش سعی داشت از پیت‌های حلبی و آن قراضه‌های روی زمین، طلای ۲۴ عیار بسازد. آورده‌اند بعدها الشیخ کوئلیو از قریه برزیلیا کتابی مرقوم نمود در وصف رازی خودمان و نامش را نهاد کیمیاگر!

این تلاش رازی چشم بسیاری از سودجیان را نیز سمت او چرخاند. روایت کرده‌اند تاجران زیادی او را نزد خود بورسیه می‌کردند، چنانچه حاکم وقت به او گفت: «پول‌هایت را در کار زرو و ادلاو و اوشلوق نگذار، بیا و در بورس سرمایه‌گذاری کن،» و این چنین بود که او بورسیه گشت. مورخان نوشته‌اند رازی در آخرین آزمایش علمی‌اش به شدت از ناحیه چشم ضربه دید و ملازمان خیلی زود چشمانش را محضر طبیب رساندند. پزشک چشم را علاج کرد و ۵۰۰ دینار طلب نمود!

رازی که به سختی این دستمزد هنگفت را جور کرد و به طبیب تقدیم کرد، توصیه‌ای از طبیب شنید که‌ای جوان کیمیای اصلی علم طب است که هم شفای دهد و هم طلا ساز است. (اشاره به آن ۵۰۰ دینار ناقابل!) محمد جوان که بعد از این حادثه کمی تا قسمتی ابری به قبایش برخورد بود، کیمیا و شیمی و میمی و طلا و ملأ و زرگری و ... را و نهاد و وارد دانشگاه بغداد گشت. دانشگاهی در حد و اندازه دانشگاه‌های هاروارد و کالج امروزی! بلکه بالاتر. رازی آنجا چنان درسی خواند تا لایه‌های آسمان علم طب را سوراخ نمود و

آن کیمیاگو، آن صنوبر، آن شیمیدان پزشک، آن کاشف
زرشک (صرفاً برای قافیه!)، آن صاحب کتاب الحاوی،
آن نیش خورده از زنبور گاوی، آن بیچه ناف شهرری،
استاد نی، آن جمله علوم را در پی، آن که می نداشت
آثار جدید ه! آن در کودکی عاشق معلق بازی، الشیخ
محمد بن زکریای رازی - خداوند رحمتش کند - از آن
جمله مردمان بود که کلاً خیلِ خفن بود!

در اول عمر، حال او چنان بود که همه خویشان و نزدیکان اصرار همی می‌ورزیدند تا محمد جوان درس وانهد و پیشه اجدادی را پیش گیرد. همه شغلی که پدر و پدربزرگ و جداندر جدهشان بدان مشغول و منصوب و معروف بوده‌اند، یعنی شغل شهیر زرگری! محمد، پدر را در ورگزار کودکی از دست داده بود و خانواده بسیار می‌گفتند که ای پسر بیا برو سر مغازه صراف‌ی بابات. اون گوشه سر میدون فردویست (فردوه ۳۰ امروزی) هوارکن که دلار بدم دلار! گاهی هم اگر بعد از ظهر حوصله‌ات سر رفت سی دی، پول نو، ویلا و سایر مخلفات را هم می‌توانی بفروشی. حالا بعدا اگر دوست داشتی در کنار آن شغل ارزشمند، پای آن بساط این شیم، میم، ها را هم ادامه بده و برو فضا! باشد؟

رازی اما دلش به این حرف‌ها راضی نمی‌شد و دل در گروه اکسیر دیگری داشت. او البته خیلی زود به استعدادش در زمینه موسیقی نیز پی برد اما اول کنش



جس

ضمیمہ نوجوان

شماره ۶۷ ■ ۴ شهریور ۱۴۰۰

نوجوانان
مدرسه



سید سپهر
جمعه زاده

66

پیام‌های خود را به
پست الکترونیکی
ضمیمه نوجوانه
به نشانی
زیر ارسال کنید.
info@jamejamdaily.ir

شماره پیامک
۳۰۰۱۱۲۲۳
نیز راه ارتباطی
دیگر ما
با شماست

人

سند کمپانی خودرو سمند سورن مدل ۱۳۸۷
پلاک انتظامی ۷۲۷ ج ۵۶ | ایران ۵۸ رنگ سفید
روغنی شماره موتور 12487090036 شماره شاسی
NAACC1CF08F404877 به نام سید غلامرضا خرم
کردار، مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

دفترچه ثبت ساعت سواری خطی
متعلق به آقای رامین نیک نظر
مرخالی فرزند ابوالحسن به شماره
ملی ۲۶۶۸۵۱۳۹۷۹ مفقود گردیده و فاقد
اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی موتورسیکلت پیشرو
پیام ۱۲۵معدل ۱۳۸۵ پلاک ۵۴۸۹۶-۵۷۸
شماره موتور 22000570 شماره شاسی
8511117 به نام مصطفی رحبی مفقود
گردیده و فاقد اعتبار است.

مجله ۱۳۹۳ به رنگ سفید شماره انتظامی
ایران ۹۵-۶۷۰۶۳۹ شماره موتور 124K0391315
شماره شاسی NAAN01CA4EK847646
فریدالدین امریان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی خودرو هیوندای النتر، مدل ۲۰۱۸
به رنگ سفید یخچالی روغنی، شماره انتظامی
ایران ۸۴-۶۱۷-۸۶ شماره موتور G4NAHU772830
و شماره شاسی KMHD841FBJU533381 بفنام
عبدالرضا جعفری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

مختصان علی آذری گنجگاه مالک خودرو وانت آریسان به شماره موتور 118J5012395 و شماره شاسی NAAB66PE6JC472000 به علت فقدان اسناد فروش خودرو تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف روز ۱۰ روزه به دفتر محقق سازمان فروش شرکت رور خودرو و رفع در پیکان اسناد مستحقان سفید مراجعه نماید. بدیهی است اسناد اکتسابی، مالیه، مبدع، طبقه، ضابطه، قیقا، قیقا خواهد شد.

برگ سبز سواری پژو هاج بک مدل
۱۳۹۰، رنگ مشکی، پلاک ۵۴۸ س ۲۴ ایران
۷۶ شماره موتور 13589012655 شماره شاسی
NAAR13FE2Bj978210 پندام نگیان خاکی
کیمانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

مرگ سبز خودرو سواری پارس خودرو برلیانس
مدل ۹۶ شماره موتور BM15L*G021479 شماره
شناسی NAPH230AAH1004108 شماره پلاک
۵۳/ایران ۶۴۳ ۵۹ متعلق به سمیه سعادت خواه
مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.